

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين والصلوة والسلام على اشرف الانبياء والمرسلين حبيبنا وحبیب اله العالمين الذى سمى فى السماء باحمد و فى الارضين بابى القاسم محمد (صلى الله عليه و آله و سلم) و على اهل بيته الطاهرين و لعنت الله على اعدائهم اجمعين من الآن الى يوم لقاء رب العالمين. اما بعد عبادالله اوصيكم و نفسى بتقوى الله و اتباع امره و نهى.

خودم و شما نماز گزاران عزيز را به تقوى الهى دعوت مى كنم.

17. « وَ التَّقَى عُدَّةٌ وَفَاتِهٌ » و تقوى و پرهيزكارى را توشه مرگ خویش گرداند.

هيفدهمين كلام نورانى حضرت امير (ع) اين است كه خداى متعال رحمت كند كسى را كه تقوا را توشه مرگ خویش قرار دهد.

به اين توصيه كسى مى تواند عمل كند كه ايمان به مرگ داشته باشد. مرگ يك پديدهى نادرى است كه همه هر روز مى بينند و مى شوند و هر روز يك نفر از همسايه يا عزيزان خود را با دست خود در زير خاك دفن مى كنند ولى عجيب اين است كه كمتر كسى باور مى كند.

مرگ يك حقيقتى است كه انسان مادى و الهى ، عالم و عادى ، زن و مرد همه با تجربه ديده اند و براى انسان يك چيز خيالى و داستان نيست ولى در عمل طورى با آن برخورد مى شود كه گويا داستان است. مرگ با علم و تجربه و آيات و روايات به اثبات رسيده است و فرار از آن ممكن نيست. ولى چرا انسان آن طورى كه به آن باور داشته باشد باور ندارد؟

بايد قبل از هر چيز اين باور را در درون خود به وجود آوريم كه مرگ حق است و فرار از آن ممكن نيست و روزى خواهد شد كه در گوشه خانه يا تخت بيمارستان و يا در خيابان يا بيابان به تنهائى يا چند نفر در اطرافمان خواهند بود ما در حال جان دادن خواهيم بود. روزى خواهد شد كه از اين بدن و اين ديار و از اين دشتهها و كوهها و دوستان و دشمنان خداحافظى خواهيم كرد. امام صادق (ع) به يكي از ياران خود خطاب مى كند و مى فرمايد: « يَا أَبَا صَالِحٍ إِذَا أَنْتَ حَمَلْتَ جَنَازَةً فَكُنْ كَأَنَّكَ أَنْتَ الْمَحْمُولُ وَ كَأَنَّكَ سَأَلْتَ رَبَّكَ الرَّجُوعَ إِلَى الدُّنْيَا فَفَعَلَ فَانظُرْ مَاذَا تَسْتَأْنِفُ. » بعد فرمودند: « عَجَبٌ لِقَوْمٍ حُبِسَ أَوْلَاهُمْ عَنْ آخِرِهِمْ¹ ثُمَّ نُوْدِيَ فِيهِمُ الرَّحِيلُ وَ هُمْ يَلْعَبُونَ. »²

ما مى دانيم روزى اين بدن ما به تنهائى در زير خاك و در قبر ظلمانى قرار خواهد گرفت و رفقاى جسم ما مار و مور و عقرب خواهد بود و چشمهايمان از حدقه هاى بيرون آمده به صورتمان خواهد ريخت و اگر قبر را يك لحظه نبش كنند تعفنش يك منطقه را خواهد گرفت و روحمان نيز گرفتار و در گرو اعمالمان خواهد بود ولى طورى عمل مى كنيم و طورى مغرورانه و غفلت زده زندگى مى كنيم و سخن مى گوييم و رفتار مى كنيم كه گويا اين چنين گردنه هاى در جلوى راه ما وجود ندارد.

امام سجاد گاهى خود را توبيخ مى كرد كه چرا گريه نمى كنم و بعد شروع مى كرد به گريه كردن و مى فرمود: « أَبْكَى لِحُرُوجِ نَفْسِي أَبْكَى لِظُلْمَةِ قَبْرِى أَبْكَى لِضَيْقِ لِحْدِي أَبْكَى لِسُؤَالِ مَنْكِرٍ وَ نَكِيرٍ إِيَّائِي أَبْكَى لِحُرُوجِي مِنْ قَبْرِى عَرِيَانًا ذَلِيلًا حَامِلًا ثَقْلِي عَلَى ظَهْرِي أَنْظُرْ مَرَّةً عَنْ يَمِينِي وَ أُخْرَى عَنْ شِمَالِي. »³

1. أى يمنعون من ذهب منهم أى الأموات أن يرجعوا إلى آخرهم أى الاحياء الذين لم يلحقوا بعدهم فيخبروهم بما جرى عليهم أو يثسوا من عودهم إلى الدنيا ثم نودى فى الاحياء بالرحيل إلى الأموات و هم لاعبون غافلون عما ينفعهم فى تلك النشأة فلا شيء اعجب من تلك الحال. و يحتمل أن تكون كلمة « عن » للتعليل اى حبس أولهم و من مضى منهم فى القبور ليلحق بهم آخرهم فيحشرون معا إلى القيامة (أت)

2 كليني، محمد بن يعقوب، الكافي ، ج 3 ؛ ص 258

3 . مصباح المتهدد و سلاح المتعبد ؛ ج 2 ؛ ص 591

ما باید این مسیر را به تنهایی برویم وقتی به حالت احتضار می افتیم هیچ کس برای ما نمی تواند کاری کند: «تَظُنُّ أَنْ يُفْعَلَ بِهَا فَاقْرَهُ، كَلَّا إِذَا بَلَغَتِ التَّرَاقِي، وَ قِيلَ مَنْ رَاقٍ، وَ ظَنَّ أَنَّهُ الْفِرَاقُ، وَ أَتَتْ السَّاقُ بِالسَّاقِ»⁴ که می دانند حادثه ناگواری در پیش است که پشت آنها را می شکند، چنین نیست (که منکران قیامت پنداشتند. باش تا) آن گاه که جانشان به گلو رسد. و (اهلش) گویند: کیست که چاره درد این بیمار تواند کرد؟ و بیمار خود یقین به مفارقت از دنیا کند (که ملک موت را به چشم ببیند)، و ساقهای پا (از شدت غم عقبی و حسرت دنیا) به هم در پیچند. این اتفاقی است بدون شک رخ می دهد. کسانی که این حادثه را قبول می کنند برای این چینی روزی تقوا نگه می دارند و زاد و توشه آن برای چنین روزی فقط تقواست. و غیر آن به درد نمی خورد. حضرت امیر علیه السلام وقتی به کنار قبرستان رسید خطاب به اهل قبرستان فرمود: «يَا أَهْلَ التَّرْبَةِ يَا أَهْلَ التَّرْبَةِ أَمَا الدُّورُ فَقَدْ سَكُنَتْ وَ أَمَا الْأَزْوَاجُ فَقَدْ نَكَحَتْ وَ أَمَا الْأَمْوَالُ فَقَدْ قُسِمَتْ فَهَذَا خَيْرٌ مَا عِنْدَنَا فَمَا خَيْرٌ مَا عِنْدَكُمْ ثُمَّ أَتَتْ إِلَى أَصْحَابِهِ فَقَالَ لَوْ أَدِنَ لَهُمْ فِي الْكَلَامِ لَأَخْبَرُوكُمْ أَنَّ خَيْرَ الزَّادِ التَّقْوَى.»⁵ ای اهل خاک و ای اهل دیار غربت! خانه هایتان را دیگران ساکن شدند و همسرانتان با دیگران ازدواج کردند و اموالتان بین دیگران تقسیم شد. این خیر ماست به شما. در نزد شما چه خیر است؟ آنگاه حضرت به اصحاب خود نگاه کرد و فرمود: اگر به اینها اجازه می دادند که حرف بزنند البته می گفتند که بهترین توشه ی آخرت تقوی است.

باز آن حضرت می فرماید: «مَا مِنْ يَوْمٍ يَمُرُّ عَلَى ابْنِ آدَمَ إِلَّا قَالَ لَهُ ذَلِكَ الْيَوْمُ يَا ابْنَ آدَمَ أَنَا يَوْمٌ جَدِيدٌ وَ أَنَا عَلَيْكَ شَهِيدٌ فَقُلْ فِي خَيْرٍ وَ اعْمَلْ فِي خَيْرٍ أَشْهَدُ لَكَ بِهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فَإِنَّكَ لَنْ تَرَانِي بَعْدَهُ أَبَدًا.»⁶ هیچ روزی بر بنی آدم نمی گذرد مگر این که آن روز به او می گوید که ای فرزند آدم من روز جدیدی هستم و من بر تو شاهدم. پس در من سخن خیر بگو و عمل خیر انجام بده تا در قیامت بر تو شهادت دهم و مرا تا روز قیامت نخواهی دید.

و فرمودند: «إِنَّ لِلْمَرْءِ الْمُسْلِمِ ثَلَاثَةَ أَخْلَاءَ فَخَلِيلٌ يَقُولُ لَهُ أَنَا مَعَكَ حَيًّا وَ مَيِّتًا وَ هُوَ عَمَلُهُ وَ خَلِيلٌ يَقُولُ لَهُ أَنَا مَعَكَ حَتَّى تَمُوتَ وَ هُوَ مَالُهُ فَإِذَا مَاتَ صَارَ لِلْوَرَثَةِ وَ خَلِيلٌ يَقُولُ لَهُ أَنَا مَعَكَ إِلَى بَابِ قَبْرِكَ ثُمَّ أَخْلِيكَ وَ هُوَ وَكْدُهُ.»⁷ هر مسلمان سه رفیق دارد یکی می گوید من با تو خواهم بود چه در حیات دنیویت و چه در مرگت. و آن عمل اوست. دومی می گوید من تا هنگام مرگت با تو خواهم بود و آن مالش است و هنگامی که مرد به ورثه می رسد. و سومی می گوید من تا دم قبرت با تو خواهم بود و آن فرزند است.

خطبه دوّم

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله الذي لا يبلغ مدحته القائلون و لا يحصى نعمائه العادون و لا يؤدّي حقه المجتهدون الذي لا يدركه بعد الهمم و لا يناله غوص الفطن ثم الصلاة و السلام على اشرف الانبياء و المرسلين الذي سمى في السماء باحمد و في الارضين بابي القاسم محمد

اللهم صل على علي اميرالمومنين وعلى فاطمه سيدة النساء العالمين وعلى الحسن والحسين سیدی شباب اهل الجنة وعلى بنی الحسن و محمد بن علی و جعفر بن محمد و موسی بن جعفر و علی بن موسی و محمد بن علی و علی بن محمد و الحسن بن علی و الحجة القائم المنتظر عجل الله تعالی فرجه و جعلنا من اعوانه و انصاره و المستشهادين بين يديه اسغفرالله لي و لكم من جميع الذنوب و الآثام و اتوب اليه

⁴ . قیامت 25-29

⁵ . الأُمالي (لِلصّدوق) ؛ النص ؛ ص 107

⁶ . الأُمالي (لِلصّدوق) ؛ النص ؛ ص 108

⁷ . الأُمالي (لِلصّدوق) ؛ النص ؛ ص 108

شخصی به محضر رسول خدا صلی الله علیه و آله شرفیاب شد. به آن حضرت عرض کرد که دوست دارم دعایم مستجاب شود؛ چه کنم؟ پیامبر خدا صلی الله علیه و آله به او فرمود: « طَهَّرْ مَا كَلَّكَ وَ لَا تُدْخِلْ بَطْنَكَ الْحَرَامَ .» یعنی " لقمه‌ات را پاک کن [تا مبادا به حرامی آلوده باشد] و مراقب باش هیچ نوع حرامی را مصرف نکنی." رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: « إِذَا وَقَعَتِ اللَّقْمَةُ مِنْ حَرَامٍ فِي جَوْفِ الْعَبْدِ لَعَنَهُ كُلُّ مَلَكٍ فِي السَّمَاوَاتِ وَ فِي الْأَرْضِ.» یعنی " هرگاه لقمه ای حرام در شکم بنده ای از بندگان خدا قرار گیرد تمام فرشتگان زمین و آسمان او را لعنت می‌کنند."

لقمه همان آنقدر گوش و چشم انسان کور می‌کند که حتی شخصیتی مثل امام حسین برای وی نصیحت کند اثر نمی‌کند. امام حسین در کربلا وقتی بر لشکر عمر سعد سخنرانی فرمود و دید سخنش اثر نمی‌گذارد فرمودند «فَقَدْ مُلِئْتُ بِطُؤُنِكُمْ مِنَ الْحَرَامِ» یعنی " شکم‌هایتان الآن پر از حرام است. چون لقمه حرام خورده‌اید، چیزی نمی‌فهمید.

31 شهریور

امروز 31 شهریور آغاز سال 1439 قمری ، آغاز هفته امر به معروف ، آغاز هفته دفاع مقدس است. ماه محرم به دلیل قیام خونین امام حسین (ع) برای شیعیان یک ماه سیاسی و از طرف دیگر ماه عبرت و همچنین ماه مصیبت است. از این جهت ماه سیاست است که قیام امام حسین (ع) در چنین ماهی وارد مرحله بسیار حساسی شد و با ورود آن حضرت به صحرای کربلا یک اتفاق سخت و سنگین اما بسیار اثر گذار به وجود آمد. امام حسین (ع) در چنین ماهی برای انجام وظیفه امر به معروف و نهی از منکر قیام کرد . وقتی دید اصل اسلام در خطر است و امت اسلامی نیز در باورهای خود دچار اشتباه شده اند و فردی مانند یزید را امیرالمومنین می‌خوانند و به نام اسلام افراد فاسد حکومت می‌کنند قیام نمود و خون داد و مردم را بیدار نمود و یک مکتبی بنیانگذاری کرد که تا کنون کاخ ستمکاران را به لرزه در آورده است.

امروز آغاز هفته دفاع مقدس است. یاد و خاطره رزمندان هشت سال دفاع مقدس را گرامی می‌داریم و بر شهدای دوران دفاع مقدس درود و سلام می‌فرستیم. باید یاد و خاطره جنگ را گرامی بداریم تا جوانان ما بدانند روزی کشور ما جوانانی داشت که علی‌رغم این‌که سنشان کم بود ولی برای حفظ کشور زیر تانک دشمن رفتند و تان دشمن را همراه خودشان منفجر کردند. به جوانان امروز بگویید که ما جوانانی داشتیم که سنگر برای آنها حمله گاه عروسی بود. حنای عروسیشان ، خون سرشان بود. جوانانی داشتیم با دست خالی در مقابل پیشرفته ترین اسلحه های قدرتهای بزرگ ایستادند و یک وجب از این خاک مقدس را به دشمن ندادند.

باید یاد و خاطره جنگ را زنده نگه داریم تا بر نسل امروزی خود گوش زد کنیم که روزی تازه انقلاب کرده بودیم و سرداران و کاردندان کشور وابسته به رژیم پهلوی بودند و همه فرار کرده بودند و هنوز انقلاب به پیروزی کامل نرسیده بود و هنوز کشور سر در گم بود نه ارتش استانداری داشتیم و نه مردم آمادگی برای دفاع از کشور داشتند و ناارامیهای داخلی خود کشور را مشغول کرده بود یک دفعه رژیم نحس و نجس صدام حسین با حمایت کشورهای اروپائی و قدرتهای بزرگ شرق و غرب برای تصرف تهران در یک هفته به کشور ما حمله کرد و باید ایران براساس معیارهای جهانی ساقط می‌شد ولی ایارن به واسطه جوانان غیور خود در مقابل دنیا ایستاد و دشمنان خویش را شکست داد. این قدرت ایمان مردم ایران بود که بر کفر پیروز شد باید این ایمان را نگه داشت.

اول مهر

آغاز سال تحصیلی جدید را خدمت تمام معلمین و اساتید ، دانش آموزان و دانشجویان تبریک می‌گوییم. در اول در تمام خانه ها ، کوچه ها ، خیابانها ، مدارس و دانشگاهها یک جنب جوش با نشاطی به وجود می‌آید که فرزندان این کشور و معلمین و اساتید خود را برای تحصیل و تدریس آماده می‌کنند. ان شاء الله در مدارس و دانشگاهها تدبیری اندیشیده شود که این فرزندان و آیندسان کشور به علم و ایمان و بصیرت کافی مجهز شوند و همچنان در دینا افتخار آفرینی نمایند.

سخنان رئیس جمهور آمریکا

رئیس جمهور آمریکا در مجمع عمومی سازمان ملل سخنانی را بر زبان آورد که خود را رسوا نمود. کسی که خوی استکابری آنها مردم افغانستان و عراق و سوریه را قتل عام کرد می گوید: ایران از پول نفت برای تأمین مالی حزب الله استفاده می کند که عرب ها و مسلمانان بی گناه را به قتل می رسانند. و گفت: باید با ایران که فقط خشونت و هرج و مرج صادر می کند، مقابله کنیم. وی ادعا کرد: ایران به تقویت دیکتاتوری بشار اسد کمک کرد و جنگ در یمن را هدایت می کند. توافق هسته ای با ایران بدترین توافقنامه در طول تاریخ آمریکا بود.

رئیس جمهور آمریکا باید به مردم دنیا پاسخ دهد که چرا عراق را اشغال کرد و جنایتی مرتکب شد که ننگی در تاریخ بشریت شد؟ باید پاسخ دهد که چرا از اسرائیل که سرزمین مردم فلسطین را غصب نموده و آنها را در بدر کرده است سالهاست حمایت می کند؟ او باید پاسخ دهد که چرا سالهاست از تروریستها حمایت می کند تا با رئیس جمهور قانونی سوریه بجنگند؟ باید او پاسخ دهد که چرا از آل سعود در کشتار کودکان یمن حمایت می کند؟ کسی که دموکراسی در ایران را نمی پذیرد حق ندارد با آل سعود که حتی یک انتخابات ندارد رقص شمشیر کند.

کسی که تا مرفق در خون مظلومین غوطه ور است سخن از مسلمانان بی گناه می زند. کسی نبود در آن مجمع از این دیوانه بپرسد که گناه کودکان یمنی چیست که با بمبهای شما کشته می شوند؟ گناه کودکان فلسطینی چیست که با حمایتهای شما بی سرپناه مانده اند و در اردوگاهها زندگی می کنند؟ گناه دختران غارت شده سوریه چیست؟

ورود امام حسین به کربلا

امروز اول محرم است اگر نامی از آن امام تشنه لبان و شاه شهیدان نبرم بی انصافی است.

مرحوم بهبهانی از ابی مخنف نقل می کند :

همه حرکت کردند تا به سرزمین کربلا رسیدند. روز چهارشنبه بود. اسب امام از حرکت باز ایستاد. امام فرود آمد و بر اسب دیگری سوار شد. آن نیز حتی یک گام جلو نرفت. امام، پیوسته اسب عوض کرد، تا هفت اسب همه این گونه بودند. امام با دیدن این امر شگفت، پرسید: نام این سرزمین چیست؟ گفتند: غاصریه. پرسید: نام دیگری دارد؟ گفتند: نینوا. فرمود: نام دیگر چه؟ گفتند: ساحل فرات. پرسیدم: اسم دیگر هم دارد؟ گفتند: کربلا. آنگاه بود که نفس عمیقی کشید و فرمود: سرزمین محنت و رنج! فرمود: بایستید و پیش نروید. به خدا که محل فرود آمدنمان و سرزمین ریخته شدن خونمان همین جاست. اینجاست که حرمت ما را می شکنند، مردانمان و کودکانمان را می کشند. قبور ما در همینجا زیارتگاه خواهد شد. جدم رسول خدا - صلی الله علیه و اله و سلم - همین خاک را به من وعده داده و وعده او خلاف نیست. از اسب فرود آمد.⁸

وقتی کاروان امام (ع) در کربلا نازل شد حضرت زینب خدمت برادر رسید و عرض کرد: برادر این وادی بسیار هولناک و وحشتناک می باشد چه آنکه از هنگامی که پای من به این وادی رسیده هول و وحشت عظیمی در من پیدا شده .

امام (علیه السلام) فرمودند: خواهرم در زمان پدرم هنگامی که باتفاق آن حضرت و برادرم به صفین می رفتیم عبورمان به این سرزمین افتاد پیاده شده و استراحت نمودیم پدرم سر مبارکش را در دامن برادرم گذارد و ساعتی خوابید و من بالای سر آن حضرت نشستم، پس از آنکه از خواب برخاست شدید و سخت می گریست، برادرم سبب گریه را جویا شد؟

پدرم فرمود: در خواب دیدم گویا این وادی دریائی است از خون و فرزندم حسین در آن غوطه می خورد و در حال غرق شدن پیوسته استغاثه می کند و کسی پناهنش نمی دهد، سپس روی مبارک به من نمود و فرمود : ای ابا عبدالله هنگام این واقعه هولناک چه گونه خواهی بود و چه خواهی کرد؟

عرض کردم: چاره ای برایم نیست غیر از صبر کردن .